

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشکده ادبیات  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

**بازتاب مسائل دینی و آئینی در شاهنامه و مآخذ آن**

**(از پادشاهی گشتاسب تا پایان شاهنامه)**

استاد راهنما:

دکتر ابوالقاسم رادفر

استاد مشاور:

دکتر حسین نجفدري

پژوهشگر:

نیلوفر عظیمی

آبان ماه ۱۳۸۹



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۰۸/۰۵

پایان نامه تحصیلی خانم نیلوفر عظیمی درودزنی دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

تحت عنوان:

بازتاب مسائل دینی و آئینی در شاهنامه و مآخذ آن  
( از پادشاهی گشتاسب تا پایان شاهنامه )

را بررسی کردند و پایان نامه با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضا

۱. استاد راهنمای پایان نامه، آقای دکتر ابوالقاسم رادفر با مرتبه علمی استاد

امضا

۲. استاد مشاور پایان نامه، آقای دکتر حسین نجفدوری با مرتبه علمی استاد

امضا

۳. استاد داور خارج از گروه، آقای دکتر کاظم دزفولیان با مرتبه علمی استاد

امضای رئیس پژوهشکده

رادفر

امضای مدیر گروه

رادفر

امضای نماینده مدیریت تحصیلات تکمیلی

کلیه استعلامات وارده  
در جهت دفاع تصحیح شده است  
و مانعاً برای انتشار نمی باشد.

۱۳۸۹/۰۸/۰۵ رادفر

به مادرم

آن بزرگ زن

که اسوه می ایثار است و مهر

## چکیده

این رساله به بررسی ادیان و آیین های رایج در ایران عصر ساسانی و بازتاب آن ها در شاهنامه می پردازد و تمامی بخش تاریخی شاهنامه را در برمی گیرد .

این پژوهش دو فصل عمده را شامل می شود و در پایان ، نتیجه گیری حاصل از این مباحث صورت گرفته است .

در فصل اوّل به معرفی فردوسی ، زندگی ، مذهب و کیش او و سپس به بررسی مختصری از شاهنامه خصوصیات زبانی شاهنامه و اینکه از چه بخش هایی تشکیل شده ، پرداخته شده است .

در فصل دوّم که قسمت اصلی و عمده ی این رساله محسوب می شود ، ابتدا دین زردشتی و مسیحی و چگونگی و ظهور آن ها در ایران و اصول و مبانی اعتقادی آن ها و بازتاب این اصول در شاهنامه مورد کندوکاو قرار گرفته است و افزون بر این ، آیین های رایج در این دوره که آیین زروانی ، مانویت و آیین مزدک را دربر می گیرد و نیز شالوده های فکری این آیین ها و تجلی آن ها در شاهنامه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است .

کلید واژه : فردوسی ، دین ، آیین ، زردشت ، مزدک ، مانی و زروان .

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۲-۱۰	پیشگفتار.....
۱۳	فصل اول: زندگی نامه فردوسی.....
۱۶-۱۴	۱-۱. معرفی فردوسی.....
۱۷-۱۶	۲-۱. تولد و مرگ فردوسی.....
۲۳-۱۷	۳-۱. مذهب فردوسی.....
۲۵-۲۳	۴-۱. شاهنامه.....
۲۵	۱-۴-۱. بخش اساطیری.....
۲۶-۲۵	۱-۴-۱. بخش حماسی.....
۲۷-۲۶	۱-۴-۱. بخش تاریخی.....
۲۸	۵-۱. موضوع شاهنامه.....
۲۹-۲۸	۶-۱. خصائص شاهنامه.....
۳۰	فصل دوم: ادیان و آیین ها و بازتاب آن ها در شاهنامه.....
۳۱	۱-۲. ظهور ساسانیان.....
۳۴-۳۱	۲-۲. ایران عصر ساسانی.....
۳۵	۳-۲. دین در عصر ساسانی.....
۳۷-۳۵	۴-۲. دین رسمی ساسانیان.....
۳۷	۱-۴-۲. ادیان.....
۳۸	۱-۱-۴-۲. زردشت.....
۴۰-۳۸	۱-۱-۴-۲. تولد زردشت.....
۴۰	۲-۱-۴-۲. آغاز وحی.....
۴۶-۴۱	۳-۱-۴-۲. تبلیغ دین.....

- ۴۷-۴۶ ..... مرگ زردشت. ۴-۱-۱-۴-۲
- ۴۹-۴۷ ..... اوستا. ۵-۱-۱-۴-۲
- ۵۰ ..... ۶-۱-۱-۴-۲ تعالیم دین زردشت.
- ۵۱ ..... -پندار نیک.
- ۵۱ ..... -کردار نیک.
- ۵۲ ..... - گفتار نیک.
- ۵۲ ..... -مذمت دروغ.
- ۵۳ ..... - راستی.
- ۵۷-۵۴ ..... - خرد و دانایی.
- ۵۹-۵۷ ..... - نکوهش بدی.
- ۵۹ ..... ۷-۱-۱-۴-۲ هدف دیانت زردشتی.
- ۵۹ ..... شادی.
- ۶۰-۵۹ ..... - بردباری و شکیبایی.
- ۶۳-۶۰ ..... ۸-۱-۱-۴-۲ توحیدی بودن تعالیم زردشت.
- ۶۴-۶۳ ..... ۹-۱-۱-۴-۲ اهورامزدا.
- ۶۶-۶۴ ..... ۱۰-۱-۱-۴-۲ امشاسپندان(نامیران فزونبخش).
- ۶۶ ..... ۱۱-۱-۱-۴-۲ ایزدان.
- ۶۶ ..... ۱۲-۱-۱-۴-۲ دیوان.
- ۶۹ ..... ۱۳-۱-۱-۴-۲ آفرینش در دین زردشتی.
- ۷۱-۷۰ ..... ۱۴-۱-۱-۴-۲ جبر و اختیار.
- ۷۱ ..... ۱۵-۱-۱-۴-۲ اصلاحات زردشت.
- ۷۱ ..... - تغییر سبک زندگی مردم از کوچ نشینی و دامپروری به کشاورزی.
- ۷۲-۷۱ ..... - منع قربانی و مستی.
- ۷۲ ..... - لزوم کار و کوشش.

- اختیار..... ۷۲-۷۳
- طلب خیر و نیکی برای پیروان راستی..... ۷۴
- صلح..... ۷۴
- اصول پاداش در این جهان و آن جهان..... ۷۴
- ۲-۴-۱-۱-۱۶. تکالیف دینی زردشتیان..... ۷۵
- روزه..... ۷۵
- نماز..... ۷۵
- ترتیب وضو..... ۷۵
- نمازهای پنجگانه..... ۷۶-۷۵
- قبله..... ۷۷
- ۲-۴-۱-۱-۱۷. جشن های هفتگانه..... ۷۸
- ۲-۴-۱-۱-۱۸. جشن های تاریخی - ملی..... ۷۸
- نوروز..... ۷۸
- جشن مهرگان..... ۷۹-۸۰
- جشن چله..... ۸۰
- جشن سده..... ۸۰-۸۱
- جشن تیرگان..... ۸۱
- جشن اسفندگان..... ۸۱
- گاهنبارها..... ۸۱
- ۲-۴-۱-۱-۱۹. نیایش ها (دیرینه ذکرها)..... ۸۱-۸۲
- آتش..... ۸۲-۸۴
- عود و عنبر در آتش ریختن..... ۸۴
- اشاره به نیایش آتش..... ۸۴
- باژ..... ۸۴-۸۵



- ۸۵ ..... - برنسم
- ۸۵ ..... - زمزم
- ۸۶-۸۵ ..... - مجمر
- ۸۶ ..... - آتشکده
- ۸۹-۸۶ ..... - ستایش خورشید
- ۹۰-۸۹ ..... - کُشتی (کستی)
- ۹۱ ..... - سپاس یزدان
- ۹۲ ..... - یاد خدا در هنگام شگفتی
- ۹۳ ..... - نام خدا را بردن در آغاز هر کار
- ۹۵-۹۳ ..... - نیایش
- ۹۶-۹۵ ..... - گناه
- ۹۷-۹۶ ..... - توبه
- ۹۷ ..... - سوگند
- ۹۸-۹۷ ..... ۲-۴-۱-۱-۲۰. آخر زمان در دیدگاه زردشت
- ۹۸ ..... ۲-۴-۱-۱-۲۱. اعتقاد به بقای روح پس از مرگ
- ۹۹-۹۸ ..... ۲-۴-۱-۱-۲۲. مرگ
- ۹۹ ..... ۲-۴-۱-۱-۲۳. پل چینود
- ۱۰۰ ..... ۲-۴-۱-۱-۲۴. ستودان
- ۱۰۱-۱۰۰ ..... ۲-۴-۱-۱-۲۵. تدفین
- ۱۰۲-۱۰۱ ..... ۲-۴-۱-۱-۲۶. سوگواری
- ۱۰۳-۱۰۲ ..... ۲-۴-۱-۱-۲۷. بهشت
- ۱۰۴-۱۰۳ ..... ۲-۴-۱-۱-۲۸. دوزخ
- ۱۰۴ ..... ۲-۴-۱-۱-۲۹. برزخ (همسَکَن)
- ۱۰۵-۱۰۴ ..... ۲-۴-۱-۱-۳۰. رستاخیز

- ۱۰۵ ..... ۲-۴-۱-۱-۳۱. دآوری عمومی و نهایی
- ۱۰۶ ..... ۲-۴-۱-۱-۳۲. فرَشْكَرَدَ
- ۱۰۶ ..... ۲-۴-۱-۱-۳۳. پیشینه روحانیت زردشتی
- ۱۰۸-۱۰۶ ..... ۲-۴-۱-۱-۳۴. روحانیت در عصر ساسانی
- ۱۰۸ ..... ۲-۴-۱-۱-۳۵. سلسله مراتب روحانیون زردشتی
- ۱۱۰-۱۰۸ ..... - موبدان موبد
- ۱۲۰-۱۱۰ ..... - موبد
- ۱۲۱ ..... - هیربذان هیربذ
- ۱۲۱ ..... - هَمَگْ دین
- ۱۲۲ ..... - دستور(اندرزبذ)
- ۱۲۲ ..... - وربذ(استاد عمل)
- ۱۲۴-۱۲۲ ..... - معلمان
- ۱۲۵-۱۲۴ ..... - تنسر
- ۱۲۶-۱۲۵ ..... - کرتیور
- ۱۲۶-۱۲۵ ..... ۲-۴-۱-۲. **مسیحیت**
- ۱۲۶ ..... ۲-۴-۱-۲-۱. مسیحیت در ایران
- ۱۳۸-۱۲۸ ..... ۲-۴-۱-۲-۲. مسیحیت در زمان ساسانیان
- ۱۳۹ ..... ۲-۴-۱-۲-۳. مظاهر دین مسیحیت
- ۱۳۹ ..... - ترسل
- ۱۴۰-۱۳۹ ..... - زَنَلَر
- ۱۴۰ ..... - چلیپا(صلیب)
- ۱۴۱ ..... - دیر
- ۱۴۱ ..... - چائلیق

- سکوبلا ..... ۱۴۱
- قسیس ..... ۱۴۲
- شمّاس ..... ۱۴۲
- راهب ..... ۱۴۲
- ۲-۴-۲. **آیین ها** ..... ۱۴۲
- ۱-۲-۴-۲. **آیین زروانی** ..... ۱۴۳-۱۴۲
- ۱-۱-۲-۴-۲. زمان پیدایش مذهب زروانی ..... ۱۴۶-۱۴۳
- ۲-۱-۲-۴-۲. عقاید زروانیان ..... ۱۴۸-۱۴۶
- ۳-۱-۲-۴-۲. پیام های اخلاقی آئین زروانی ..... ۱۴۸
- بخشش ..... ۱۵۰-۱۴۸
- راستی ..... ۱۵۱-۱۵۰
- خرسندی ..... ۱۵۱
- آرزوی نیکی کردن به نیکان ..... ۱۵۲-۱۵۱
- ۴-۱-۲-۴-۲. اعتقاد به تأثیر افلاک و ستارگان در سرنوشت ..... ۱۵۶-۱۵۲
- ۵-۱-۲-۴-۲. رواج زروانیسم در عصر ساسانی ..... ۱۵۷-۱۵۶
- ۶-۱-۲-۴-۲. زوال تدریجی و نابودی نهایی آیین زروانیسم ..... ۱۵۸
- ۲-۲-۴-۲. **آیین مانوی** ..... ۱۵۹-۱۵۸
- ۱-۲-۲-۴-۲. تولّد مانی ..... ۱۶۰-۱۵۹
- ۲-۲-۲-۴-۲. آغاز وحی ..... ۱۶۷-۱۶۰
- ۳-۲-۲-۴-۲. تبلیغ ..... ۱۶۲-۱۶۱
- ۴-۲-۲-۴-۲. مانی و شاپور ساسانی ..... ۱۶۴-۱۶۲
- ۵-۲-۲-۴-۲. مخالفت با آیین مانی ..... ۱۶۴
- ۶-۲-۲-۴-۲. سرانجام مانی ..... ۱۶۷-۱۶۴

- ۱۶۸ ..... ۲-۴-۲-۲-۷. اهداف مانوی.....
- ۱۶۹-۱۶۸ ..... ۲-۴-۲-۲-۸. گسترش مانویت.....
- ۱۷۱-۱۶۹ ..... ۲-۴-۲-۲-۹. زیربنای آیین مانوی.....
- ۱۷۲-۱۷۱ ..... ۲-۴-۲-۲-۱۰. تأثیر مانوی در عرفان.....
- ۱۷۲ ..... ۲-۴-۲-۲-۱۱. جامعه ی مانوی.....
- ۱۷۲ ..... - آموزگاران.....
- ۱۷۲ ..... - ایسپسگان(اسقفان).....
- ۱۷۲ ..... - مهستگان (مهران و بزرگان).....
- ۱۷۲ ..... - برگزیدگان.....
- ۱۷۳ ..... - نغوشاگان (سماعون).....
- ۱۷۳ ..... ۲-۴-۲-۲-۱۲. تکالیف مانویان.....
- ۱۷۴-۱۷۳ ..... - دروغ نگفتن.....
- ۱۷۴ ..... - دزدی نکردن.....
- ۱۷۴ ..... - بخل نوزیدن.....
- ۱۷۴ ..... - خوداری از سحر و جادو.....
- ۱۷۵-۱۷۴ ..... - نماز.....
- ۱۷۶ ..... - روزه.....
- ۱۷۶ ..... ۲-۴-۲-۲-۱۳. شعائر دهگانه.....
- ۱۷۶ ..... - صلح و آشتی.....
- ۱۷۷ ..... - راستی.....
- ۱۷۷ ..... - عقل و خرد.....
- ۱۷۷ ..... - پاکدامنی و عفت.....
- ۱۷۸-۱۷۷ ..... - بردباری و صبر.....
- ۱۷۸ ..... - شادی.....

- ۱۷۹ ..... ۱۴-۲-۲-۴-۲ هفت صدقه و سه مُهر.....
- ۱۷۹ ..... - مُهر دهان.....
- ۱۸۰-۱۷۹ ..... - مُهر دست.....
- ۱۸۰ ..... ۱۵-۲-۲-۴-۲ تعمید در آیین مانوی.....
- ۱۸۱-۱۸۰ ..... ۱۶-۲-۲-۴-۲ عید ییما.....
- ۱۸۱ ..... ۱۷-۲-۲-۴-۲ نگاه مانی به دیگر پیامبران.....
- ۱۸۲-۱۸۱ ..... ۱۸-۲-۲-۴-۲ مرگ و پس از آن در آیین مانوی.....
- ۱۸۳ ..... ۱۹-۲-۲-۴-۲ کتب مانی.....
- ۱۸۳ ..... - انجیل.....
- ۱۸۴ ..... - گنج زندگان.....
- ۱۸۴ ..... - اسرار.....
- ۱۸۴ ..... - غولان.....
- ۱۸۴ ..... - رساله ها و نامه ها.....
- ۱۸۴ ..... - فراقماتیا.....
- ۱۸۴ ..... - مزامیر و اوراد.....
- ۱۸۵-۱۸۴ ..... - ارژنگ.....
- ۱۸۵ ..... - شاپورگان.....
- ۱۸۵ ..... - کفالایا.....
- ۱۸۶-۱۸۵ ..... ۲۰-۲-۲-۴-۲ ارزش اجتماعی آیین مانی.....
- ۱۸۶ ..... ۳-۲-۴-۲ آیین مزدک.....
- ۱۹۰-۱۸۶ ..... ۱-۳-۲-۴-۲ بررسی اوضاع اجتماعی ایران پیش از ظهور مزدک.....
- ۱۹۱-۱۹۰ ..... ۲-۳-۲-۴-۲ زمینه جنبش.....
- ۱۹۱ ..... ۳-۳-۲-۴-۲ تولد و زادگاه.....
- ۱۹۳-۱۹۲ ..... ۴-۳-۲-۴-۲ باورهای اجتماعی مزدک.....

۱۹۵-۱۹۳	..... اصول عقاید مذهبی مزدک
۱۹۵	..... تمایز عقاید مزدک با مانی در باب خلقت جهان
۱۹۶-۱۹۵	..... هدف غایی جهان از دیدگاه مزدک
۱۹۹-۱۹۶	..... پنج دیو در باور مزدک
۱۹۹	..... تعلیمات مزدک
۲۰۰	..... اعتقاد مزدک در مورد جهان
۲۰۱-۲۰۰	..... معاد در آیین مزدک
۲۰۱	..... کتاب مزدک
۲۰۳-۲۰۱	..... دعوت مزدک و ظهور او در دوره ی پادشاهی کی قباد
۲۰۳	..... اشاعه آیین مزدک
۲۰۴-۲۰۳	..... آغاز توطئه علیه مزدک
۲۰۶-۲۰۴	..... خلع قباد و جانشینی انوشیروان
۲۰۷-۲۰۶	..... مناظره مزدک با روحانیون دیگر ادیان
۲۰۹-۲۰۷	..... کشتار مزدکیان
۲۰۹	..... سرانجام مزدکیان
۲۱۰	..... <b>آیین مهرپرستی</b>
۲۱۲-۲۱۱	..... نتیجه گیری
۲۱۷-۲۱۳	..... فهرست منابع

تمدن بشری مدیون کسانی است که پرچمدار خردورزی در عصرهای مختلف بوده اند. خردورزانی که در دل تاریخ ماندگار شدند تا هرازگاهی که بشریت در منجلاب حیات دنیوی گرفتار می شود، ظهور یابند.

و اینک، سخن از شاهکاری بدیع است که با کوشش بی دریغ دهقان زاده ای فرهیخته، به ایرانیان و بلکه جهانیان عرضه گردید. حدیث فردوسی و شاهنامه، روایتی بی پایان است. هرگاه سخنی از حماسه ملی ایرانیان به میان می آید، غرور ملی ایرانیان به جوش می آید. اما اگر با بصیرت بیشتری در ژرفای این سند ملی سیر کنیم به مباحث گوناگونی برمی خوریم که هر کدام، مدخلی به یکی از جنبه های حیات بشری است.

شاهنامه با مطرح کردن دین، انسان ها را به زندگی بهینه دعوت می کند چرا که تجلی دین در حیات انسانها در جای جای این اثر شگفت انگیز به چشم می خورد و نجات و پیروزی را در گرو دینداری می داند؛ به طوری که دینداری را طریق رستگاری معرفی می کند. البته، ناگفته نماند که دین در شاهنامه تنها در گزاره های ثابت دینی که در بسیاری از کتب مذهبی مشاهده می گردد، خلاصه نمی شود و پای را از آن فراتر نهاده و تاریخ بشری را در روشنایی دین تبیین می نماید و تجربه را در حیات اجتماعی و شخصی شخصیت های خود می نمایاند و به ارزیابی آنها می پردازد.

منظر دینی شاهنامه، روشنفکرانه است و تعصب و تنگ نظری را از موانع دین مداری می داند. هر چند فردوسی در فرازهای گوناگون و به مناسبت های متفاوت، مذهب شخصی خویش را مطرح می کند و از آن طرفداری می کند و با دیدی اخلاقی و خردگرایانه ادیان و آئین ها را محترم می شمارد، اگر چه در حماسه ی ملی رنگ و بوی اعتقادات دینی ایرانیان باستان به وضوح حس می گردد ولی هرگز تسلیم ثنویت و دوگانه پرستی نمی گردد و در واقع در شاهنامه فضیلت های دینی که ارزشهای انسانی محسوب می گردند و از فطرت الهی ریشه می گیرند، مورد تمجید و تحسین قرار می گیرد. <sup>چهارده</sup> اندیشه و کارکرد اهریمنی که با سرشت الهی انسان سازگاری ندارد، طرد می گردد و فضای این اثر ملی را عصر دین نموده است، و در هر قسمت جنبه ای از معرفت دینی را در بر می گیرد. در بخش اسطوره ای شاهنامه با روایات دینی در ادبیات دینی ایرانیان باستان،

روبرو می شویم ، در بخش پهلوانی با ارزشهای برجسته آیینی و در بخش تاریخی شاهنامه با مقابله ی دینی، ارزیابی های حکیمانه و انطباق آن با زندگی واقعی انسان ها مواجه می گردیم.

استاد طوس دین محوری را یکی از طرق اشراف به شاهنامه می داند و به همین دلیل آنرا تحسین می کند:

**هرآن کس که دارد هُش و رأی و دین      پس از مرگ بر من کند آفرین**

(۱۳۶۷/۸۶۵)

شاهنامه فردوسی ، به ویژه در بخش تاریخی ، دربردارنده ی تاریخ مردم ایران است که افکار و اندیشه های نیاکان ، در طول تاریخی بس طولانی در آن تبلور یافته است . در این پژوهش ، کوشش شده تا بازتاب آیین ها و اعتقادات مذهبی مردم ایران در این بخش از شاهنامه که از پادشاهی گشتاسب تا پایان شاهنامه که بالغ بر بیست هزار بیت است ، مورد بررسی و تأمل قرار گیرد و منظور از این تحقیق و رساله یافتن پاسخی برای سوالات زیر است :

- ۱ - از ابتدای پادشاهی گشتاسب تا پایان شاهنامه چه ادیان و آیین هایی در ایران رواج داشته است ؟
- ۲ - این ادیان چگونه به وجود آمده اند و سیر پیشرفت و نفوذشان در میان ایرانیان در شاهنامه چگونه بازتاب داشته است ؟

۳ - طبق ابیات شاهنامه مبنای کلی اعتقادی این ادیان چه بوده است ؟

پیشینه ی کار:

تا آنجایی که بررسی کرده ام در این زمینه کار مجزاً و مستقلی صورت نگرفته است و اگر منابعی موجود است تنها به بررسی یک مذهب و آیین پرداخته شده و تمامی بخش تاریخی شاهنامه را نیز مورد کنکاش قرار نداده اند و تنها به اشاراتی بسنده کرده اند. این رساله می کوشد این موضوع را با استناد به شاهنامه فردوسی که سند هویت ملی ماست ، مورد بررسی و تحقیق قرار دهد.

فرضیه های پژوهش :

- ۱ - در این قلمرو زمانی آیین ها و ادیان بسیاری در ایران باستان رواج داشته اند .
- ۲ - این ادیان و آیین ها به تدریج در میان مردم نفوذ کردند و رشد و تعالی یافته اند.



۳- مبنای اعتقادی بعضی از ادیان همچون مسیحیت توحیدی و بقیه ، اشکال مختلفی داشته اند.

هدف پژوهش:

هدف هایی که این پژوهش دنبال می کند قبل از هر چیز ،شناخت انواع آیین ها و ادیان در این دوره ی طولانی است و درمرحله دوّم بررسی جنبه های اعتقادی و جهان بینی آن ها و میزان نفوذ و رشدشان در ادوار گوناگون می باشد.

روش پژوهش :

اساس کار این پژوهش بصورت کتابخانه ای و یادداشت برداری مطالب از کتاب شاهنامه و تدوین آن ها به صورت پایان نامه بوده است . در این زمینه منابع فراوانی در دسترس بود که نشان از اهمیّت و جایگاه شاهنامه میان اهل فضل دارد و همچنین توجّه و اهتمام به فرهنگ این سرزمین که دین همواره بخش گسترده ای از آن را در بر می گیرد. در تمامی مباحث و بخش ها سعی ش <sup>شازنده</sup> از شاهنامه مثالی آورده شود و تأثیر آیین و ادیان در شاهنامه باز نموده شود ، در این زمینه از شاهنامه به کوشش سعید حمیدیان که بر اساس چاپ مسکو به طبع رسیده است . بهره- برداری شده است . ترتیب شماره ابیات نیز بدین صورت است که عدد سمت چپ ، صفحه کتاب و عدد سمت راست ، شماره بیت را نشان می دهد .

امید است که این رساله گامی کوچک در جهت شناساندن فرهنگ عظیم این مرز و بوم باشد. در پایان برخورد فرض می دانم که از زحمات اساتیدی که همواره در تمامی مراحل نگارش این رساله ، یارای من بوده اند تشکر نمایم . ابتدا از استاد ارجمند جناب آقای دکتر ابوالقاسم رادفر که راهنمایی این رساله را برعهده داشتند و در معرفی منابع کمک های شایانی مبذول داشته اند، سپاسگذاری می کنم و همچنین از جناب آقای دکتر حسین نجف دری که صبورانه مرا در تحریر این رساله یاری نموده اند و راهنمایی های ارزنده ای در اصلاح برخی مطالب داشته اند کمال تشکر را دارم .

## فصل یکم :

### زندگی نامه فردوسی

## ۱-۱. معرفی فردوسی

نظامی عروضی در چهار مقاله که از قدیمی ترین منابع درباره ی فردوسی محسوب می شود فردوسی را اینگونه معرفی می کند «استاد ابوالقاسم فردوسی از دهاقین طوس بوده؛ از دیهی که آن دیه را «باژ» خوانند و از ناحیت طبران است، بزرگ دیهی است، فردوسی در آن دیه شوکتی تمام داشت چنانکه بدخل آن ضیاع از امثال خود بی نیاز بود، و از عقب یک دختر بیش نداشت و شاهنامه به نظم همی کرده و همه امید او آن بود که از صله ی آن کتاب جهاز آن دختر بسازد، بیست و پنج سال در آن کتاب مشغول شد که آن کتاب تمام کرد، و الحق هیچ باقی نگذاشت و سخن را به آسمان علیین برده و در عذوبت بماء معین رسانید و کدام طبع را قدرت آن باشد که سخن را بدین وجه رساند که او رسانیده است.» (معین، ۱۳۳۴: ص ۹۳)

اهمیتی که گفته های نظامی دارد بیشتر از آن است که از لحاظ زمانی به فردوسی نزدیک است و کتاب چهار مقاله کمتر از صد و پنجاه سال بعد از شاهنامه نگاشته شده و نگارنده اش کمتر از صد سال پس از وفات فردوسی به دنیا آمده است.

ژول مول در کتابش با عنوان «دیاچه شاهنامه» در مورد فردوسی می گوید: «ابوالقاسم فردوسی از شاداب از حومه ی طوس بدنیا آمد... پدر فردوسی مولانا احمد فخرالدین و از یک خاندان دهقان بود و ملکی داشت در کنار آبراهه ای که از رود طوس جدا می شد...» (مول، ۱۳۴۵: ص ۸۲-۸۴)

در مورد فردوسی و شاهنامه در طی قرن های متمادی سخنانی بسیاری گفته شده و نوشته های بی شمار به رشته تحریر درآمده که گاه مشابه و گاهی متعارض هم می باشند. ویل دورانت نیز در کتاب «تاریخ تمدن» در مورد فردوسی چنین می گوید: «و ابوالقاسم منصور بن حسن در شهر طوس در حدود سال ۳۲۹ هـ ق (۹۴۰ م) زاده شد. پدرش در دربار سامانیان منصب دولتی داشت و برای پسرش ملکی در باژ، نزدیک طوس به جا گذاشت. ابوالقاسم اوقات فراغ را به جستجوی آثار قدیم می گذرانید و کتاب خدای نامه توجه ی وی را به خود جلب کرد. سپس در صدد برآمد از این داستان های منثور یک حماسه ملی بسازد و کتاب خویش را شاهنامه نامید و به رسم شاعران برای خود تخلص «فردوسی» اختیار کرد. شاید این تخلص را از باغستان ملک خویش گرفته باشد.

فردوسی پس از ۲۵ سال کوشش مستمر نخستین طرح حماسه ی خود را آماده کرد (دورانت، ۱۳۵۱: ج ۴، ص ۳۴۲)

ذبیح الله صفا تصویری کلی از احوال فردوسی ارائه می نماید. وی در کتاب « حماسه سرایی در ایران » چنین می گوید: « استاد ابوالقاسم منصور بن حسن مشهور به فردوسی شاعر بزرگ قرن چهارم و پنجم هجری است که در حدود ۳۲۹ هـ. ق در قریه ی باژ از قرای طابران طوس میان خانواده ای از دهقانان متولد شد که ثروت و ضیاع مورث داشتند. فردوسی در حدود ۳۷۰-۳۷۱ هـ. ق یعنی چهل یا چهل و یک سالگی خود شروع به نظم شاهنامه کرد و در حدود ۴۰۱-۴۰۲ هـ. ق یعنی تقریباً پس از سی و یک و یا سی دو سال آن را کاملاً به پایان برد و بخش های پراکنده داستان های خود را نسق و ترتیبی داد و به نام ( امین المله و یمین الدوله ابوالقاسم محمود بن نام الدین سبکتکین غزنوی ۳۸۷-۴۲۱ هجری ) که در حدود سال ۳۹۳-۳۹۴ هـ. ق به دربار وی راه یافته بود، در آورده ولی بنا بر آنچه مشهور است، از آن پادشاه بهره ای نگرفت و دل آزرده و پریشان از غزنین به خراسان و از آنجا به طبرستان به خدمت سپهدار شهریار از آل باوند رفت و هجو نامه ی معروف خود را همان جا ساخت و ظاهراً به صد هزار درهم به شهریار فروخت و سپس از مازندران به خراسان بازگشت و در مولد خود به سر برد تا سال ۴۱۱ هـ. ق بدرود جهان گفت » ( صفا، ۱۳۶۳، ص ۱۷۱-۱۷۵ )

استاد ابوالقاسم فردوسی، شاعر بزرگ حماسه سرای ایران و یکی از گویندگان مشهور عالم و از ستارگان درخشان آسمان ادب فارسی و از مفاخر ارزنده ملت ایران است. وی مردی وطن پرست و در میهن پرستی استوار بود. این مطلب از جای جای شاهنامه خصوصاً شور فردوسی در ستایش ایران و سی و پنج سال رنج او در احیای فرهنگ آن به خوبی آشکار است. او به اساطیر و تاریخ و فرهنگ ایران کاملاً اشراف داشت و این آگاهی را از نیاکان خود کسب کرده بود.

« فردوسی به پاکی اخلاق و عفت نفس و سخن، بر همه شعراء فزونی و برتری دارد و می توان گفت او نخستین شاعری است که سخن خود را به عبارت ناشایست و کلمات ناپسند و زشت و نیالوده است و اگر بدین گونه کلمات حاجت افتد به کنایه ای پسندیده که نشان کمال عفت و بسیاری شرم است برگزار می کند. او دوستدار کم آزاری و حق پیشگی و دشمن ستمکاری است خونریزی را بد می داد و به نکو کاری فرا می خواند و اگر چه شاهنامه سراپا داستان آشوب و خونریزی است و جز کشتن حاوی چیز دیگری نیست ولی همین که وظیفه شاعری خود را به انجام رسانید و پیروزی پهلوانان را به شرح گفت یکباره عاطفه ی سرشار و دل نازک و بی آزار او

به جنبش آمده و از گفت خود با دیگران در ناپایداری جهان و فرجام سخت و سهمناک مردم آزاران با سوز تمام داد سخن می دهد» (فروزانفر، ۱۳۵۰: ص ۴۹)

نفوذ شاهنامه و ارج نهادن به مقام والای این اثر باشکوه در گستره زمان مرزهای جغرافیایی را در نوردیده و در اطراف و اکناف جهان مورد علاقه و تأمل اندیشمندان قرار گرفته است. «در تاریخ طبرستان زندگی فردوسی نقل شده است، در آذربایجان مؤلف فرائد السلوک به تجلیل از او نام برد و ابیات فراوانی از شاهنامه آورده است. در هند، عوفی در «لباب الألیاب» از ستایش او دریغ نکرده است» (ریاحی، ۱۳۷۲: ص ۶۸)

#### ۱-۲. تولد و مرگ فردوسی

درباره ی زمان تولد وی، اختلاف نظر وجود دارد. اما تاریخی که مورد قبول اکثر شاهنامه پژوهان است، سال ۳۲۹ هـ. ق است، که این تاریخ نتیجه ی تحقیق ژول مول از شاهنامه و مورد موافقت محققان بزرگی چون محمود شیروانی، ملک شعرای بهار، مجتبی مینوی، ذبیح الله صفا، عبدالحسین زرین کوب و ... است. (شهبازی، ۱۳۷۴: ص ۲۷۶)

استاد بهار، تولد استاد طوس و شروع و ختم شاهنامه را در ابیاتی به شعر درآورده است:

سبب دوسوی یا سالی کمتر از مادر بزاد	هم به شصت و پنج کرد داستان گستری
برد سی و پنج سال اندر کتاب خویش رنج	ماند با رنجی چنان گنجی بدین پهناوری
در عوان چهارصد شد اسپری شاهنامه اش	یازده سال دگر شد عمر شاعر اسپری

(۱۱۷-۱۱۹/۳۶۳)

«استاد ابوالقاسم منصور (حسن؟ احمد؟) بن حسن (احمد؟ علی؟ اسحق؟) بن اشرفشاه؟) مشهور به فردوسی شاعر بزرگ قرن چهارم و پنجم هجری است که در حدود سال ۳۲۹ هـ. ق در قریه «باز» از قراء طابران طوس میان خانواده ای از دهقانان متولد شد که ثروت و ضیاع موروث داشتند.» (صفا، ۱۳۶۳، ص ۱۸۵)

«به سال ۳۲۹ یا ۳۳۰ هـ. ق (۹۴۱ م) در یکی از روستاهای بخش طابران طوس به نام باز که امروز فاز نامیده می شود و در ۲۰ کیلومتری شمال شرقی مشهد قرار دارد کودکی در خانواده دهقان آن ناحیه به دنیا آمد و او را حسن نام نهادند» (ریاحی، ۱۳۷۲، ص ۴۷)

بعدها آن کودک ، ابوالقاسم فردوسی نامیده شد و سرنوشت چنان رقم خورده بود که او یکی از بزرگترین حماسه سرایان ایران و جهان باشد. از روزگار جوانی فردوسی و سرنوشت خانواده وی ، اطلاعاتی متقن و مؤثق در دست نیست و خود او نیز هیچ اشاره صریحی به ایام زندگانی خویش ننموده است ، جزء آنکه از خلال مطالب حماسه ی سترگش می توان به درگذشتن پسرش در ۳۷ سالگی پی برد « که در هنگام مرگ او ، فردوسی ۶۵ سال داشته است » ( یغمایی ، ۱۳۴۹ ، ص ۸۳ )

اما درباره ی وفات فردوسی ، منبع موثقی یافت نمی شود که به آن اشاره شده باشد ولی چنانکه از شاهنامه و ابیات هجوناامه برمی آید بعد از حدود سال ۴۰۹ و ۴۱۰ هـ. ق از فردوسی اثر و خبری در شاهنامه نیست زیرا چنانکه می دانیم آخرین اشاره ای که به سن شاعر در دست داریم بیتی است که در آن از نزدیکی عمر خود به هشتاد سخن گفته است ، و اگر ولادت فردوسی را چنانکه گفتیم در حدود ۳۰-۳۲۹ بدانیم هشتاد سالگی او مصادف با سال ۴۰۹-۴۱۰ هـ. ق بود .

### ۱-۳. مذهب فردوسی

فردوسی یک دهقان فرهیخته و یک ادیب و شاعر برجسته ایرانی و نه یک مبلغ مذهبی ، بوده است . یعنی فردوسی به خلاف ناصر خسرو که « حجت » اسماعیلیان در « جزیره ی خراسان » بود و نیز به خلاف سعدی که شغل شاغل او وعظ و تذکر بود و نیز به خلاف حافظ که شغل او حفظ قرآن بود ، نه در زی روحانیون و نه در کار تبلیغ مذهب بوده است . بلکه منظور فردوسی از به نظم درآوردن شاهنامه ، تدوین و نظم اساطیر و تاریخ ایران باستان و زنده کردن نام پهلوانان و پادشاهان ایرانی بوده است و موضوع کار او ارتباطی مستقیم با ادیان پیش از اسلام ( میتراپی ، زرتشتی ، مانوی و... یا ابراهیمی (یهودی ، مسیحی ، اسلام) به طریق اولی مذاهب و فرق اسلامی نداشته و آنچه او از ادیان مختلف در شاهنامه گفته است همه برسپیل استطراد است .

فردوسی در نظم شاهنامه با امانت داری کامل بر اساس منابع نوشتاری و روایت های شفاهی خود به حماسه سرایی یعنی بازگویی زبان حال قهرمانان شاهنامه پرداخته است ، اما از بیان باورهای شخصی خود نیز ممانعت نکرده و به همین دلیل نه تنها احساسات ملی و میهن دوستی او بلکه هم چنین خداشناسی و دین باوری او در شاهنامه موج می زند . وی در خلق شاهنامه و گزارش اسطوره ها و حماسه غرور آفرین اگر چه آئین زردشتی را «